

گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در آینه حقوق توسل به زور و مخاصمات مسلحانه

یونس علاقه‌بند حسینی*

رزا یزدان نجات**



چکیده

استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در دهه اخیر، رشد روزافزونی یافته است و این پرنده‌ها از ابزاری برای تجسس، به اسلحه جنگی تمام‌عیار مبدل شده‌اند. ارتش آمریکا در نقاط متعددی از جهان مانند افغانستان، پاکستان، یمن، لیبی و سومالی به‌طور پیوسته از هواپیماهای بدون سرنشین برای مقاصد گوناگون بهره می‌برد. ورود این پرنده‌های بدون سرنشین به میدان‌های نبرد، طرح سؤالات حقوقی متعددی را در حقوق بین‌الملل و به‌طور خاص، مباحث مربوط به حقوق توسل به زور و حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح کرده است. پاسخ به این سؤالات، موضوع این مقاله است.

واژگان کلیدی

هواپیمای بدون سرنشین، حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق توسل به زور، القاعده، جنگ با تروریسم

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران؛ همکار علمی معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

allagheband@ut.ac.ir

Rosa.yazdannejat@gmail.com

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی

در طول تاریخ، جنگ همواره به‌عنوان جزء لاینفکی از تمدن بشری شناخته شده است. آدمی از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته‌شده، تنها حدود ۲۵۰ سال در صلح عمومی به سر برده است.^(۱) همان‌طور که نبردها گسترش یافته و از درگیری‌های کوچک و قبیله‌ای به منازعات جهانی و فرامنطقه‌ای مبدل شده‌اند، سبک و سیاق جنگیدن و ادوات رزم نیز به تناسب این پیشرفت، متحول شده است.

یکی از تحولات نسبتاً جدید در فنون نبرد و بهره‌گیری از تجهیزات نظامی، استفاده روزافزون از هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه و خارج از آن است. در فاصله زمانی میان سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، دولت بوش با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، ۴۲ مورد عملیات در نقاط مختلف جهان انجام داد.^(۲) این رقم، در دولت اول اوباما به‌شدت رو به فزونی نهاد و بر اساس آمار، در پایان سال ۲۰۰۹ میلادی، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین توسط ارتش ایالات متحده با رشدی ۴۰٪ در صدی در مقایسه با دوره ده ساله قبل از آن روبه‌رو بوده است.^(۳) به باور برخی محققان، با ادامه روند کنونی در سال‌های آتی، تعداد هواپیماهای بدون سرنشین در ناوگان هوایی ارتش ایالات متحده از جنگنده‌های نیازمند به خلبان، بیشتر خواهد شد.^(۴)

همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، عده‌ای، کارآمد بودن و کاهش تلفات انسانی را در زمره دلایل اصلی استفاده از این فناوری جدید می‌دانند. اما مخالفان با اشاره به تلفات زیاد غیرنظامیان و آسیب‌های وارده به اموال آنان، مشروعیت استفاده از این پرنده‌ها را به چالش کشیده‌اند. گذشته از این، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات‌های مرزگذر، مسائل چندی از قبیل قانونی بودن یا نبودن توسل به زور در خارج از محدوده صلاحیتی دولت‌ها را مطرح می‌سازد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

این پژوهش شامل سه بخش است. بخش نخست به آشنایی بیشتر با هواپیماهای بدون سرنشین، تاریخچه تحول آن‌ها و نحوه عملکرد این هواپیماها اختصاص دارد. بخش دوم به بررسی تأثیر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر قواعد مربوط به حقوق توسل به زور خواهد پرداخت و در بخش سوم اثر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر ترتیبات حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح می‌شود. *مطالعات فزنی*

۱. هواپیماهای بدون سرنشین

۱-۱. واژگان‌شناسی و تاریخچه

در گزارش‌های خبری رسانه‌های خارجی معمولاً از این نوع هواپیماها با عنوان *درون*^(۵) یاد می‌شود. نیروی هوایی

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، گنج دانش، چاپ بیست‌ودوم، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳.

2. J. Pugliese, "Prosthetics of Law and the Anomic Violence of Drones", *Griffith Law Review*, 2011, vol. 20, p. 932.

3. L. Blank, "After Top-Gun: How Drone Strikes Impact the Law of War", *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 2012, vol. 33, p. 675.

4. M. O'Connell, "Remarks: the Resort to Drones Under International Law", *Denver Journal of International Law and Policy*, 2011, vol. 39, p. 586

5. Drone

ارتش ایالات متحده، این نوع تسلیحات را به‌عنوان «هوایماهای هدایت‌شده از راه دور»^(۶) یا «سامانه‌های هوایی بدون سرنشین»^(۷) شناسایی می‌کند.^(۸) در ایران غالباً از واژه «پهباد» یا عبارت «هوایمای بدون سرنشین» استفاده می‌شود. البته واژه‌های دیگری مثل ریبیر^(۹) یا پریدیتور^(۱۰) نیز برای اشاره به این پرنده‌ها کاربرد دارند اما از آن رو که این واژه‌ها به انواع خاصی از این دست پرنده‌ها اشاره دارد، استفاده از آن‌ها درست به‌نظر نمی‌رسد.

شوربختانه در حال حاضر هیچ تعریف جامعی از این نوع هوایماها در سطح بین‌المللی در دست نیست اما برخی کشورها در سطح ملی اقدام به تعریف این پرنده‌ها نموده‌اند که در ذیل به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود. وزارت دفاع آمریکا هوایمای بدون سرنشین را «وسیله نقلیه هوایی که بدون حضور انسان و با استفاده از نیروی آیرودینامیک، قادر به برخاستن از زمین و پرواز در آسمان است و قابلیت آن را دارد که از راه دور هدایت شود» تعریف می‌کند.^(۱۱) البته شاید یادآوری این نکته ضروری باشد که بدون سرنشین بودن این هوایماها تنها محدود به عدم حضور انسان در خود هوایما است زیرا همان‌طور که در ادامه نیز خواهد آمد، عملاً برای هدایت و راهبری این نوع پرنده‌ها افراد زیادی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم دخالت دارند.

شاید کمتر کسی از این حقیقت آگاه باشد که استفاده از هوایماهای بدون سرنشین، پدیده جدیدی نیست و برخی پیشینه استفاده از این هوایماها را جنگ جهانی اول می‌دانند.^(۱۲) ارتش ایالات متحده، حداقل از نیمه قرن گذشته و از زمان درگیری در جنگ ویتنام از این نوع تسلیحات - البته نه با شدت و گستردگی فعلی - برای عملیات شناسایی و مراقبت هوایی بهره می‌برده است.^(۱۳) اما بی‌تردید تکامل این هوایما به‌عنوان ابزاری مؤثر در هدف‌گیری و از بین بردن اهداف و به‌عبارت دیگر، بازتعریف آن‌ها به‌عنوان جنگ‌افزارهای تهاجمی است که آن‌ها را در مرکز توجه صاحب‌نظران مسایل نظامی و راهبردی قرار داده است.

به دیگر بیان، پهبادها دارای دو کارکرد متفاوت هستند. کارکرد نخست که از زمان آغاز پیدایش این فناوری در نیمه‌راه قرن گذشته تا کنون و به‌خصوص در زمان جنگ سرد مورد بهره‌برداری بوده، انجام عملیات جاسوسی و شناسایی است. از جمله هوایماهایی که در این گروه از پرنده‌های بدون سرنشین قرار می‌گیرند می‌توان به آرکیو ۴- گلوبال هاوک^(۱۴) اشاره کرد. این پرنده قادر است تا ارتفاع ۱۱ کیلومتر از سطح زمین فاصله گرفته و در بهترین حالت تا ۳۶ ساعت در هوا باقی بماند.^(۱۵) از دیگر پرنده‌هایی که در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند می‌توان به

6. Remotely Piloted Aircraft

7. Unmanned Aircraft Systems

8. A. Drake, "Current U.S Air Force Drone Operations and Their Conduct in Compliance with Interantional Humanitarian Law - An Overview", 2011, *Denver Journal of International Law and Policy*, vol. 39, p. 630

9. Reaper

10. Predator

11. United States Department of Defense, Dictionary of Military and Associated Terms, 2009, p. 571

12. *Supra* note 4, p. 935

13. *Supra* note 9, p. 630

14. RQ-4 Global Hawk

15. *Ibid*, p. 636

اسکن/یگل^(۱۶) اشاره کرد که توسط پرتاب‌کننده‌های کوچک به هوا پرتاب می‌شود و آرکیو - (۱۱ بی راون^(۱۷)) که از جمله کوچک‌ترین انواع پهباد است و با دست به هوا فرستاده می‌شود.^(۱۸) از دو نوع هواپیمای اخیر، بیشتر برای به‌دست‌آوردن آگاهی کلی از موقعیت نیروهای خودی و نیروهای دشمن در نبردهای کوچک استفاده می‌شود.

اما کارکرد دوم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و شروع آنچه در گفتمان مقامات آمریکایی «نبرد علیه تروریسم» خوانده می‌شود آغاز شده است. یکی از ویژگی‌های دکترین نبرد علیه تروریسم آن است که دولت آمریکا مجاز است از هرگونه ابزار نظامی برای نابودی تروریسم بهره جوید.^(۱۹) فصل ممیز این کارکرد جدید - همان‌طور که اشاره شد - تجهیز هواپیماهای بدون سرنشین به موشک و استفاده از این هواپیماها به‌عنوان ابزاری تهاجمی در میدان نبرد و خارج از آن است.^(۲۰)

هواپیماهای بدون سرنشین در اندازه‌های متفاوت تولید می‌شوند؛ از نمونه‌های واسط^(۲۱) و راون^(۲۲) به بزرگی یک متر که توسط پرتاب با دست در آسمان به پرواز در می‌آیند تا انواع بزرگتر پردیتور^(۲۳) و گلوبال هاوک^(۲۴) که به ترتیب ۸، ۵ و ۱۲ متر طول دارند. در حال حاضر، تنها ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از پهبادهای شکاری استفاده می‌کنند اما تعداد کشورهایی که از این پرنده‌ها برای انجام عملیات شناسایی و مراقبت هوایی بهره می‌جویند بیشتر هستند و تعدادشان به ۴۰ کشور می‌رسد که از آن میان می‌توان به روسیه، هند، پاکستان، ایران و چین اشاره کرد.^(۲۵)

البته تفکیک ارائه‌شده در سطور آغازین این قسمت در تمامی موارد مصداق ندارد. به‌عنوان نمونه، پرنده‌های ریبیر^(۲۶) و پردیتور^(۲۷) با این اینکه اصالتاً هواپیماهای جاسوسی و شناسایی به‌شمار می‌آیند، به‌راحتی قابلیت حمل و رهاسازی بمب و ادوات انفجاری بر روی اهداف موردنظر را دارند.

یکی از نخستین نمونه‌های استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین پس از سال ۲۰۰۱ در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۰۲ توسط ایالات متحده در کشور یمن و با همکاری مقامات هر دو طرف رخ داد و در طی آن علی سنیان الحریشی که به‌عنوان عضو ارشد القاعده در یمن فعالیت می‌کرد کشته شد. این عملیات موفقیت‌آمیز در پی آن صورت

16. Scan Eagle

17. RQ-11B Raven

18. *Supra note 9*, p. 636

۱۹. علی مختاری، جایگاه نبرد با تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده (۲۰۰۷ - ۲۰۰۰)، فصلنامه راهبرد، ۱۳۸۷، ش ۴۸، ص ۱۸۱.

20. *Supra note 4*, p. 935.

21. Wasp

22. Raven

23. Predator

24. Global Hawk

25. L. Blank, "After Top-Gun: How Drone Strikes Impact the Law of War", *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 2012, vol. 33, p. 678.

26. Reaper

27. Predator

گرفت که تلاش‌های مکرر نیروهای دو طرف برای دستگیری الحریثی ناکام ماند و حتی با مقاومت قبایل ساکن در محل اختفای الحریثی روبه‌رو شده بود.

۲-۱. دلایل گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین

دلیل اصلی تمایل دولت‌ها به استفاده روزافزون از پهباد، امتیازاتی است که این پرنده‌ها در مقایسه با هواپیماهای شکاری نیازمند به خلبان دارند.

یکی از این امتیازات، توانایی هواپیماهای بدون سرنشین برای شناسایی و تحت‌نظر قراردادن مستمر هدف دلخواه است. این ویژگی که صاحب‌نظران امور نظامی از آن تحت‌عنوان «نظارت پیوسته»^(۲۸) یاد می‌کنند، این قابلیت را به نیروهای خودی می‌دهد که در عین دوربودن از نقاط حساس و پرمخاطره، قادر به کنترل دائمی هدف موردنظر باشند. این ویژگی با عنایت به تغییر طبیعت نبردها از مخاصمات کلاسیک بین‌دولتی به درگیری‌های نامتقارن میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی، پهبادها را به ابزاری مناسب بدل کرده است. هواپیماهای بدون سرنشین شناسایی و جاسوسی - بسته به نوع - به‌طور متوسط قادرند بین ۲۲ تا ۳۶ ساعت یک هدف را زیر نظر بگیرند.^(۲۹) این در حالی است که هواپیماهای اف - ۱۶ در کنار سایر کمبودها از نظر تجهیزات و ادوات جاسوسی، تنها می‌تواند بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بر فراز هدف پرواز کند.^(۳۰)

مزیت دیگر استفاده از این پرنده‌ها علاوه بر بدون سرنشین بودن آن‌ها که موجب حفظ جان نیروهای خودی در صورت بروز حادثه می‌باشد، قابلیت کنترل از راه دور آن‌هاست. به‌عنوان مثال، بسیاری از هواپیماهای بدون سرنشینی که هم اکنون در افغانستان و پاکستان مشغول انجام عملیات هستند، از پایگاه‌های مستقر در نوادای آمریکا، یعنی هزاران کیلومتر دورتر از صحنه جنگ هدایت می‌شوند.

در راهبری یک پهباد، حداقل چهار نفر دخیل هستند: یک خلبان که مسئول به پرواز درآوردن و در هوا نگاه‌داشتن پرنده از راه دور در طول انجام مأموریت است؛ دو نفر متصدی دریافت و ذخیره اطلاعات ارسال شده توسط حس‌گرهای هواپیما و یک نفر هماهنگ‌کننده اطلاعات و داده‌های مأموریت که در واقع تجزیه و تحلیل اطلاعاتی را که متصدیان حس‌گرها به وی می‌رسانند بر عهده دارد. البته علاوه بر این افراد که به‌طور مستقیم در زمان انجام عملیات با پرنده در حال پرواز در تعامل هستند و به‌عبارت‌دیگر، خدمه پروازی هواپیماهای بدون سرنشین محسوب می‌شوند، همواره برقراری ارتباط با مرکز فرماندهی یا ستاد کل ارتش برای اخذ دستور در موارد خاص امکان‌پذیر است. نحوه تعامل این گروه چهارنفره با پرنده در حال مأموریت به این ترتیب است که ابتدا اطلاعات از هواپیما به یک ماهواره مستقر در فضا ارسال می‌شود، علایم، تقویت شده و سپس به پایگاه کنترل فرستاده می‌شود و اطلاعات در مرکز تحلیل می‌شود. دستورهای لازم نیز از همین مسیر برای هواپیما ارسال می‌شود.^(۳۱)

28. Persistent Surveillance or Loitering

29. *Supra* note 9, p. 637.

30. *Ibid*, p. 640.

31. *Supra* note 4, p. 935.

به نظر می‌رسد که انگیزه اصلی کشورهای غربی برای توسعه برنامه ساخت و تولید هواپیماهای بدون سرنشین، کاهش تلفات نیروهای خودی و قابلیت رهگیری و انهدام دقیق‌تر اهداف دلخواه باشد. اما به عقیده برخی کارشناسان، آنچه در آینده موجب گسترش تولید و استفاده از این فناوری خواهد شد، هزینه پایین تولید این هواپیماها در مقایسه با جنگنده‌های بزرگ سرنشین‌دار است. این نظر از آن رو قوت می‌گیرد که حتی هزینه تولید پیشرفته‌ترین انواع پرنده‌های بدون سرنشین در حدود یک‌دهم هزینه تولید جنگنده‌های بزرگ نیازمند به خلبان است. به عنوان نمونه، هزینه ساخت مجهزترین نوع هواپیماهای بدون سرنشین ریبِر^(۳۲) حدود ۱۵ میلیون دلار است که در مقایسه با مبلغ ۴۰۰ میلیون دلاری تولید یک جنگنده اف - ۲۲ مبلغی ناچیز است.^(۳۳)

اما هواپیماهای بدون سرنشین، نواقص و محدودیت‌هایی نیز دارند؛ از جمله آنکه در برابر سامانه‌های دفاع زده‌وایی پیشرفته بسیار آسیب‌پذیر هستند. علاوه بر این، هواپیماهای بدون سرنشین اصولاً جنگ‌افزارهای هوا به زمین هستند و به همین دلیل سرعت بالایی ندارند. سرعت آن‌ها در پیشرفته‌ترین نمونه‌ها کمی بیشتر از ۷۰۰ کیلومتر در ساعت است، در حالی که جنگنده بمب‌افکن‌های سری اف با سرعتی بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر در ساعت به راحتی قادر به رهگیری و انهدام آن‌ها هستند.^(۳۴)

مشکل دیگر پهبادها آن است که در هر لحظه امکان قطع ارتباط آن‌ها با مرکز عملیات وجود دارد. قطع ارتباط ممکن است در اثر اختلال در سامانه ناوبری هواپیما یا به دلیل ارسال پارازیت و ایجاد وقفه عمدی در ارتباط پرنده با مرکز هدایت عملیات باشد. اما در حال کنترل هواپیما از دست نیروهای خودی خارج خواهد شد و امکان بروز سانحه افزایش خواهد یافت. در مورد انواع هواپیماهای بدون سرنشین که به عملیات شناسایی و جاسوسی اختصاص دارند، این مسئله می‌تواند به معنای از دست رفتن اطلاعات گردآوری شده توسط هواپیما باشد.

۲. هواپیماهای بدون سرنشین و حقوق توسل به زور

دیرزمانی است که توسل به زور نظامی از صورت لجام‌گسیخته خارج شده است. حقوق بین‌الملل معاصر از دو طریق امکان توسل به قوه قهریه را محدود می‌کند. نخست از رهگذر آنچه «حق بر جنگ»^(۳۵) نامیده می‌شود و در آن شرایط توسل به زور مشروع توسط یک دولت احصا می‌شود و دوم، «حق در جنگ»^(۳۶) یا همان حقوق مخاصمات مسلحانه است که ذیل ترتیبات آن شیوه‌ها و طرق توسل به زور توسط دولت‌ها ضمن درگیری مسلحانه قانونمند می‌شود. به دیگر بیان، شق نخست متضمن وضعیت‌هایی است که دولت‌ها ذیل آن، حق استفاده از قوه قهریه را دارند و شق دوم، تنظیم‌کننده و تحدیدکننده نحوه اعمال آن حق به‌شمار می‌آید. بدین ترتیب پس از آنکه یک دولت توانست جهات قانونی لازم برای استفاده از زور را ارائه دهد، در هنگام استفاده از

32. Reaper

33. M. Lewis, "Drones and the Boundaries of the Battlefield", *Texas Interantional Law Journal*, 2012, vol. 47, p. 296.

34. *Ibid*, p. 298.

35. *Jus ad bellum*

36. *Jus in bello*

زور نیز ملزم به رعایت ترتیبی است که نحوه اعمال زور، تحت حکومت آن ترتیبات سامان یافته و رنگ قانونی و مشروع به خود می‌گیرد.

در بخش حاضر و بخش بعدی مقاله به ترتیب به بررسی چالش‌ها و سؤالاتی که استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین در این دو حوزه از حقوق بین‌الملل مطرح می‌کنند پرداخته می‌شود.

چالش‌های استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین در حوزه حقوق توسل به زور را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد؛ ایراد نخست آنکه در رویارویی با گروه‌های مسلحی مانند القاعده، امکان استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین وجود ندارد زیرا استناد به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی اصولاً امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، بهره‌گیری از این هوایم‌ها و انجام عملیات مرزگذر، منجر به نقض حریم هوایی و تمامیت سرزمینی دولت‌هایی چون پاکستان و یمن است زیرا این دولت‌ها با ایالات متحده در حال جنگ نیستند و دولت آمریکا نمی‌تواند وارد قلمروی سرزمینی این دولت‌ها شود.

با نگاهی دقیق‌تر به ایرادات مذکور ملاحظه می‌شود که چالش‌های مطرح‌شده در بالا تنها به‌خاطر ظهور و گسترش استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین شکل نگرفته است بلکه در واقع نتیجه مستقیم بروز تروریسم فراملی و افزایش درگیری‌ها میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است و استفاده از یک سلاح یا سامانه تسلیحاتی خاص در این میان، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. به دیگر بیان، در مباحث مربوط به امکان توسل به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی، اصل امکان استناد به ترتیبات ماده ۵۱ منشور یا حقوق عرفی در این زمینه محل سؤال است و نه اینکه آیا می‌توان در جریان دفاع از پهبادها بهره برد یا خیر. به همین ترتیب، قواعد حقوقی موجود برای قضاوت در مورد اینکه آیا دولت‌ها مجاز به استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین در انجام عملیات مرزگذر هستند یا خیر، تنها محدود به موارد استفاده از این هوایم‌ها نیست و می‌توان به همین قواعد ضمن بررسی مشروعیت عملیات مرزگذر با استفاده از هوایم‌های جنگنده متعارف یا در مواقع بهره‌گیری از نیروی زمینی نیز متوسل شد.

۲-۱. امکان استناد به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی

موافق با ترتیبات ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها در پاسخ به یک حمله مسلحانه، مجاز به توسل به زور در راستای اعمال حق دفاع مشروع خود هستند. تقریباً تمامی نویسندگان حقوق بین‌الملل^(۳۷) در این موضوع اتفاق نظر دارند که تنها یک حمله مسلحانه است که ماشه دفاع مشروع را می‌چکاند.^(۳۸) اما در رابطه با اینکه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده حمله مسلحانه چیست و اینکه آیا تنها حمله مسلحانه از سوی یک دولت می‌تواند

۳۷. برخی نویسندگان بر این باورند که پاسخ دولت‌ها در قالب دفاع مشروع، محدود به حمله مسلحانه نبوده و آن‌ها مجازند هر درجه از توسل به زور را با دفاع مشروع نظامی پاسخ گویند. اما این دیدگاه از اقبال چندانی در میان حقوق دانان برخوردار نیست به‌خصوص که دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای متعددی - تلویحاً یا به صراحت - آن را رد کرده است. در پرونده نیکاراگوئه دیوان صراحتاً تأکید می‌کند که تنها «شدیدترین اشکال توسل به زور» - نه هر نوع توسل به زور - را می‌توان به حمله مسلحانه تعبیر کرد. شاید هدف دیوان از این بیان، مستثنی کردن درگیری‌های مرزی است که گاه و بیگاه میان دولت‌ها رخ می‌دهد. ن.ک:

(I.C.J. Reports, 1986, para. 191)

38. Y. Dinstein, "War, Aggression and Self-Defense", Cambridge: Cambridge University Press, 2005, Fourth Edition, pp. 182-5.

ترتیبات منشور در خصوص دفاع مشروع را فعال سازد، نظرات حقوق دانان از یک سو و رویه قضایی از سوی دیگر از پیوستگی و هماهنگی لازم برخوردار نیستند.

پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر، دیوان بین‌المللی دادگستری در دو مجال، یک‌بار در نظر مشورتی دیوار حائل و دیگری در پرونده کنگو علیه اوگاندا فرصت یافت تا در مورد فراهم‌شدن موجبات دفاع مشروع توسط دولت‌ها اظهار نظر کند و احتمالاً از موضع سنتی خود - که در پرونده نیکاراگوئه مطرح شده بود - فاصله بگیرد. در پرونده نیکاراگوئه دیوان تلویحاً به این موضوع اشاره کرد که حق دفاع مشروع تنها در پاسخ به حمله مسلحانه از سوی یک دولت یا نیروهای وابسته به یک دولت قابل طرح است.^(۳۹) اظهار نظر دیوان در این زمینه کاملاً مطابق با ترتیبات قطعنامه تعریف تجاوز است.^(۴۰)

اما دیوان در نظر مشورتی دیوار حائل اعلام داشت که تنها حمله‌ای که توسط یک دولت انجام شود ممکن است به معنای «حمله مسلحانه» در معنای مقرر در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل باشد.^(۴۱) سه نفر از قضات دیوان با این نظر مخالفت کردند.^(۴۲) دیوان، یک سال بعد در پرونده کنگو علیه اوگاندا نیز بر موضع خود پافشاری کرد. در این پرونده نیز در مورد حملات صورت‌گرفته از خاک کنگو علیه اوگاندا، دیوان نتوانست فراتر از یک شک معقول به این نتیجه برسد که حملات انجام‌گرفته قابل‌انتساب به دولت کنگو است. در نتیجه در نبود قابلیت انتساب، دیوان قابلیت توسل قانونی به حق دفاع مشروع را منتفی ارزیابی کرد.^(۴۳)

با وجود این به نظر می‌رسد که در آموزه‌های حقوقی - حداقل در یک دهه اخیر - تمایل به رد نظر دیوان قوت گرفته است.^(۴۴) و رویه مؤخر دولت‌ها^(۴۵) و برخی قطعنامه‌های شورای امنیت^(۴۶) نیز این دیدگاه را تقویت

39. I.C.J. Reports 1986, "Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua" (*Nicaragua v. United States of America*), Merits, para. 195.

40. UNGA Res. 3314 (December 14, 1974), Definition of Aggression

41. I.C.J. Reports 2004, "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory", Advisory Opinion, para. 105.

42. Separate Opinion of Judge Higgins, para. 33; Separate Opinion of Judge Kooijmans, para. 35; Declaration of Judge Buergenthal, para. 6.

43. I.C.J. Reports 2005, "Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo" (*Democratic Republic of the Congo v. Uganda*) Judgment of December 19, 2005, para. 146.

44. See *inter alia*: S. Murphy, "Terrorism and the Concept of Armed Attack in Article 51 of the U.N. Charter", *Harvard Journal of International Law*, 2002, vol. 43, pp. 41-50; C. Greenwood, "International Law and the Pre-emptive Use of Force: Afghanistan, Al-Qaeda, and Iraq", *San Diego International Law Journal*, 2003, vol. 4, pp. 1-37.

۴۵. غیر از حملات مکرر دولت‌های ایالات متحده و انگلستان در سال‌های اخیر علیه القاعده و گروه‌های وابسته به آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) حمله شوروی به مجارستان در سال ۱۹۵۶ که با ادعای خنثی کردن پایگاه‌های گروه‌های خرابکار در مجارستان صورت گرفت.
(ب) حمله دولت‌های عضو پیمان ورشو به چکسلواکی با این استدلال که حق دفاع مشروع خود را در قبال دولتی که پایگاه‌های خرابکاری و طراحی حمله در آن قرار دارد اعمال کرده‌اند.

(ج) حمله نیروهای مسلح ایران در سال ۱۳۸۰ که در طی آن برخی مراکز فرماندهی، نظارتی و آموزشی گروهک منافقین در داخل خاک

می‌کند که حمله مسلحانه در معنای مدنظر ماده ۵۱ ممکن است توسط بازیگران غیردولتی نیز به وقوع بپیوندد و دولت‌ها در پاسخ به آن به دفاع مشروع متوسل شوند.^(۴۷) حتی در پرونده کنگو و اوگاندا نیز نظر قاضی کوچیمانس در مورد موضع‌گیری دیوان قابل توجه است:

«در صورتی که فعالیت‌های گروه‌های مسلح حاضر در قلمرو یک دولت، قابل انتساب به آن دولت نباشد، دولت قربانی را نمی‌توان هدف حمله توسط دولت صاحب قلمرو به‌شمار آورد. اما اگر حملات آن گروه‌ها از نظر شدت و گستره به قدری وسیع باشند که اگر توسط نیروهای مسلح دولتی انجام می‌شود، حمله مسلحانه به حساب می‌آید، هیچ مانعی ذیل ماده ۵۱ منشور برای توسل دولت قربانی به حق ذاتی خود در دفاع مشروع وجود ندارد.

اگر حملات مسلحانه، توسط گروه‌های مسلح از مناطقی در خاک دولت صاحب قلمرو صورت گیرد که دولت مذکور، کنترلی بر آن‌ها ندارد، این حملات باز هم حمله مسلحانه در معنای ماده ۵۱ است. این منطقی نیست که دولت قربانی را تنها به دلیل اینکه «دولت» حمله‌کننده‌ای وجود ندارد از توسل به حق دفاع مشروع محروم کرد.»^(۴۸)

به دیگر سخن، حتی اگر حملات گروه‌های غیردولتی قابل انتساب به دولت صاحب سرزمین نباشد اما چون این دولت، قادر به ممانعت از استفاده از خاک خود جهت اقدامات تروریستی و نظامی علیه سایر دولت‌ها نیست، حق دفاع مشروع برای دولت قربانی فراهم می‌شود.

قاضی هیگینز نیز در نظر جداگانه خود در نظر مشورتی دیوار حائل در این زمینه با قاضی کوچیمانس هم‌عقیده است. به باور وی، هیچ‌یک از ترتیبات ماده ۵۱ منشور، قائل به چنین محدودیتی برای دفاع مشروع نیست.^(۴۹)

به این ترتیب به نظر می‌رسد که پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، این باور در میان حقوق‌دانان قوت گرفته است که برخی کنش‌گران غیردولتی، نظر به قدرت و بنیه نظامی خود می‌توانند حملات گسترده و دامنه‌داری را سازمان‌دهی کنند که از نظر شدت و گستردگی، هم‌پایه حمله مسلحانه از سوی یک دولت باشد. به این ترتیب ایجاد محدودیت برای دولت قربانی، تنها با این توجیه که حمله مسلحانه از جانب یک بازیگر غیردولتی، مجوزی برای توسل به دفاع مشروع نیست، مسموع نخواهد بود.

عراق بمباران شد. استدلال دولت ایران برای حمله، حق ذاتی دفاع مشروع بود و این موضوع ضمن نامه‌ای به اطلاع شورای امنیت نیز رسید.

عباس کدخدایی و شهرام زررئشان، امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۱، ۱۳۸۶، صص ۱۰۹-۱۰۷.

46. UNSC Res. 1368 (September 12, 2001), UNSC Res. 1372 (September 28, 2001).

۴۷. برخی بر این باورند که کنار گذاشته‌شدن نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه به دلیل وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ است:

(Scharf, 2010, p. 439).

48. I.C.J Reports, 2005, Separate Opinion of Judge Koojimens, paras. 29-30 .

49. I.C.J. Reports, 2004, Separate Opinion of Judge Higgins, para. 33.

در نتیجه چنانچه موجبات دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی احراز شود، کشور قربانی می‌تواند یک سلسله عملیات جهت دفع حمله نظامی انجام دهد. در این میان سؤال این است که در زمانی که کشور قربانی مجوز توسل به قوه قهریه را دارد، از چه نوع ساز و برگ‌های نظامی می‌تواند استفاده نماید؟ پاسخ به این سؤال از آن روی اهمیت دارد که حتی در زمان صدور مجوز توسل به زور نظامی نیز کشورها در استفاده از تسلیحات گوناگون آزادی عمل ندارند. به‌عنوان نمونه، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی در هر حالتی ممنوع است. لذا زمانی که دولت مبادرت به استفاده از پرنده‌های بدون سرنشین می‌نماید با سؤال جزئی‌تری در خصوص جواز یا منع استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در ترتیبات حقوق بشردوستانه روبه‌رو می‌شود. در این ارتباط علی‌رغم این واقعیت که آنچه در حقوق بین‌الملل منع نشده است لزوماً مجاز نیست، تاکنون مقرره‌ای صریح دایر بر منع استفاده از پهبادها چه به‌صورت عرفی و چه به‌صورت معاهده‌ای در حقوق بین‌الملل شکل نگرفته است. اما نباید از یاد برد که حتی در زمان استفاده از سلاح‌های متعارف نیز باز محدودیت‌های حقوق بشردوستانه جاری است. به‌عنوان نمونه، در هنگام مشروعیت توسل به قوه قهریه با استفاده از سلاح‌های متعارف نیز حمله به غیرنظامیان ممنوع است. در این میان استفاده از این پرنده‌ها تنها با رعایت ترتیبات حقوق بشردوستانه مجاز می‌نماید که شرح موضوع در قسمت دوم این نوشتار خواهد آمد.

۲-۲. امکان انجام عملیات مرزگذر برای مقابله با گروه‌های مسلح مستقر در خاک دولت ثالث

پذیرش این موضوع که امکان توسل به دفاع مشروع در پاسخ به حمله مسلحانه یک کنش‌گر غیردولتی وجود دارد، چالش دیگری را پیش‌روی مقوله مبارزه با تروریسم و حقوق توسل به زور مطرح می‌کند و آن نیاز به کسب اجازه از سوی دولت قربانی برای عبور از مرزهای بین‌المللی برای برخورد با گروه‌های مسلح در خاک دولتی است که این گروه‌ها در قلمرو آن به فعالیت می‌پردازند. به‌عنوان نمونه، هرچند جمهوری اسلامی ایران تاکنون قربانی عملیات‌های مرزگذر با توسل به هواپیماهای بدون سرنشین نبوده، حریم هوایی ایران، بارها به دلیل عملیات‌های مرزگذر این پرنده‌ها در خاک پاکستان نقض شده است.^(۵۰)

بعضی حقوق‌دانان با اشاره به این مطلب که دولت قربانی، قوه قهریه را علیه گروه‌های تروریستی به‌کار می‌برد و نه علیه تمامیت و حاکمیت دولت صاحب سرزمین، کسب اجازه را ضروری نمی‌دانند.^(۵۱) اما این موضع‌گیری قابل‌دفاع نیست که عملیات نظامی علیه دولت صاحب سرزمین صورت نمی‌گیرد و هدف تنها گروه‌های تروریست حاضر در قلمرو آن هستند زیرا به‌رحال نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که دولت قربانی با عبور از مرزهای بین‌المللی، درحال انجام عملیات نظامی در سرزمینی است که بر آن سلطه و حاکمیتی ندارد و عملاً درحال نقض یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل نوین، حداقل پس از تدوین منشور سازمان

۵۰. در سال‌های اخیر حریم هوایی ایران بارها از سوی پهبادهای جاسوسی آمریکایی نقض شده است. به‌عنوان نمونه جمهوری اسلامی ایران در آذر ماه سال ۹۱ یک فروند هواپیمای بدون سرنشین از نوع/اسکن/ایگل (Scan Eagle) را پس از ورود به حریم هوایی خود بر زمین نشانده.

51. J. Paust, "Self-Defense Targetings of Non-State Actors and Permissibility of the U.S. Use of Drones in Pakistan", *Journal of Transnational Law and Policy*, 2010, vol. 19, p. 249.

ملل یعنی تساوی حاکمیت دولتها و احترام به تمامیت ارضی آنان است.^(۵۲) به جرأت می‌توان مدعی شد که هیچ دولتی حتی حضور عناصر خارجی در قلمرو خود را تحمل نخواهد نکرد، چه رسد به اینکه این عناصر بخواهند در خاک وی، دست به اقدام نظامی بزنند. این مسئله از آنجا اهمیت دوچندان می‌یابد که بعید به نظر نمی‌رسد حتی انجام یک عملیات واحد با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را هم بتوان به‌منزله نقض حاکمیت دولت صاحب سرزمین و به‌عنوان «تجاوز» تلقی کرد. این مسئله حتی مسبوق به سابقه نیز هست؛ شورای امنیت سازمان ملل در پی اقدام رژیم صهیونیستی در به‌قتل‌رساندن *خلیل الوزیری* در قالب یک عملیات کشتار هدفمند در تونس، این عمل رژیم اشغالگر قدس را به‌عنوان تجاوز شناسایی کرد و ضمن یادآوری ترتیبات ماده ۲ منشور و محکوم کردن صریح این قبیل اقدامات، از اسرائیل خواست تا از تکرار آن بپرهیزد.^(۵۳)

بدین ترتیب کسب اجازه از سوی دولت قربانی حملات تروریستی و اعلام رضایت دولت صاحب سرزمین تا حد زیادی در این رابطه راهگشا خواهد بود. به‌عنوان نمونه، در مورد پاکستان با وجود عنصر رضایت، مشکلی از نظر انجام عملیات‌های پهبادها وجود نخواهد داشت زیرا این عملیات‌ها با مجوز دولت مرکزی به انجام می‌رسد.^(۵۴) البته دولت پاکستان اخیراً به‌طور رسمی به انجام عملیات‌های هواپیماهای بدون سرنشین در خاک خود اعتراض کرده است اما سرویس‌های اطلاعاتی آن کشور با سازمان‌های جاسوسی آمریکا از جمله سیا در این زمینه همکاری می‌کنند و حتی در انتخاب اهداف نیز این سازمان را یاری می‌دهند.^(۵۵) بر اساس آمارهای موجود، حداقل تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی، ۸۰ درصد عملیات‌های هواپیماهای بدون سرنشین در خاک پاکستان انجام شده است.^(۵۶)

علاوه بر این، کسب اجازه در صورت بروز حادثه پیش‌بینی نشده و ورود خسارات مالی و جانی به اتباع دولت صاحب سرزمین، حساسیت‌های کمتری را ایجاد خواهد کرد. از این گذشته، بعید نیست که پس از درخواست انجام عملیات توسط دولت قربانی، مشخص شود که حضور و فعالیت گروه‌های مسلح تروریست با وجود تلاش‌های همه‌جانبه و جدی دولت صاحب سرزمین در جریان است. در این حالت به‌نظر نمی‌رسد بتوان دلیل موجهی برای عملیات یک‌جانبه دولت قربانی یافت و نهایتاً شیوه برخورد مناسب باید از طریق تمهیدات دو‌جانبه مورد بررسی قرار گیرد چون در هر حال دفاع مشروع با وجود اهمیت و جایگاه عرفی خود در نهایت، استثنایی بر اصل منع توسل به زور است و به همین سبب باید همواره تلاش کرد تفسیر مضیقی از آن ارائه شود.^(۵۷)

۵۲. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها از چنان جایگاه رفیعی در ساخت حقوق بین‌الملل نوین برخوردار است که برخی نویسندگان برجسته حتی در مشروعیت مداخله نظامی برای متوقف کردن نسل‌کشی در خاک یک کشور نیز تشکیک می‌کنند. ن.ک:

(Schmitt, 2010, p. 315).

53. UNSC Res. 611 (April 25, 1988).

54. A. Orr, "Unmanned, Unprecedented and Unresolved: The Status of American Drone Strikes in Pakistan under International Law", *Cornell International Law Journal*, 2011, vol. 44, p. 733.

55. *Ibid*, p. 730.

56. *Supra* note 9, p. 631.

۵۷. جمشید ممتاز و بهزاد صابری، تأثیر رویه بعدی دولتها بر اصل منع تهدید و توسل به زور، *فصلنامه راهبرد*، ش ۶۳، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳.

علاوه بر این، ناگفته پیداست که دولت صاحب سرزمین تنها می‌تواند رضایت خود را در قبال عملیات‌هایی اعلام دارد که خود از نظر قانونی قادر به انجام آن است اما به دلایل دیگری مانند فقدان امکانات نظامی از عملی کردن آن‌ها ناتوان است و رضایت دولت صاحب سرزمین به اقدام نظامی که طی آن هنجارهای حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر زیر پا گذاشته می‌شود به هیچ‌عنوان در مشروعیت بخشی به آن اقدامات، مؤثر نخواهد بود.

به‌علاوه، هرگونه توسل به زور از سوی دولت قربانی باید با اصول ضرورت و تناسب، سازگاری کامل داشته باشد. مطابق اصل ضرورت، دولت قربانی مجاز نیست با توسل به زور به حمله پاسخ دهد، مگر اینکه روش‌های دیگر دفاع امکان‌پذیر نباشد. به‌طور حتم یکی از این «روش‌های دیگر دفاع»، می‌تواند طرح موضوع در شورای امنیت یا درخواست از دولت صاحب سرزمین برای انجام تعهدات بین‌المللی‌اش و از بین بردن تهدیدات ناشی از حضور گروه‌های تروریست در خاک خود باشد زیرا همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کورفو اشاره می‌کند، هیچ دولتی مجاز نیست قلمرو خود را وسیله‌ای برای تضييع حقوق سایر دولت‌ها قرار دهد.^(۵۸) قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به این موضوع اشاره دارند. به‌عنوان مثال، شورا در قطعنامه ۷۴۸ تصریح می‌کند که تمامی دولت‌ها موظف هستند اجازه ندهند از قلمرو آن‌ها برای انجام اعمالی که منجر به استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور می‌شود، استفاده شود. به این ترتیب تنها در صورت کوتاهی دولت صاحب سرزمین در خنثی کردن تهدیدات تروریستی است که دولت قربانی می‌تواند به دفاع مشروع متوسل شود. این مسئله در گزارش مخبر ویژه سازمان ملل نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به نظر آقای فیلیپ آلستون، انجام عملیات نظامی یک دولت در خاک دولت دیگر با احراز دو شرط منجر به نقض حاکمیت دولت صاحب سرزمین نخواهد شد: اول، دولت انجام‌دهنده عملیات در حال اعمال حق دفاع مشروع خود وفق ترتیبات ماده ۵۱ منشور باشد. دوم، دولت صاحب سرزمین قادر نباشد که حملات انجام‌شده از خاک خود علیه دولت قربانی را متوقف کند یا اصولاً تمایلی به انجام این کار نداشته باشد.^(۵۹)

اشاره به شرط دوم در گزارش آلستون با عنایت به محتوای اصل ضرورت در حقوق توسل به زور است. توضیح آنکه، هرگونه توسل به زور از سوی دولت قربانی باید با اصول ضرورت و تناسب، سازگاری کامل داشته باشد. مطابق اصل ضرورت، دولت قربانی مجاز نیست با توسل به زور به حمله پاسخ دهد، مگر اینکه روش‌های دیگر دفاع امکان‌پذیر نباشد. به این ترتیب، تنها در صورت کوتاهی دولت صاحب سرزمین در خنثی کردن تهدیدات تروریستی است که دولت قربانی می‌تواند به دفاع مشروع متوسل شود.

اگرچه متن ماده ۵۱ منشور در این مورد که ضرورت، یکی از شروط استناد به حق دفاع مشروع است صراحتی ندارد، با اطمینان می‌توان گفت که به‌موجب مقررات ماده مزبور، وجود حالت ضرورت، شرط اساسی و لازم برای استفاده از حق دفاع مشروع است.^(۶۰) دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده سکوهایی نفتی، یکی از دلایل عدم مشروعیت حملات آمریکا علیه تأسیسات نفتی ایران را عدم انطباق این حملات با اصل ضرورت عنوان

58. I.C.J. Reports 1949, Corfu Channel Case, Judgment of April 9th, 1949, p. 22.

59. Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, *Study on Targeted Killings*, May 28, 2010, para. 28.

علاوه بر این، اصل تناسب نیز باید توسط دولت قربانی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این اصل، دولت قربانی موظف است توسل به زور را تنها با هدف متوقف کردن تهدید به کار بندد و از توسل به قوه قهریه در مقیاس وسیع بپرهیزد. به بیان دیگر، دولت مدعی استفاده از حق دفاع مشروع، با اعاده وضعیت به اوضاع و احوال پیش از تهاجم باید اقدامات نظامی خود را متوقف کند. پیوند این اصل با اصل ضرورت، آنجاست که اقداماتی که در اعمال حق دفاع مشروع صورت می‌گیرد، نباید از شیوه یا هدف ضروری که استناد به آن‌ها را توجیه می‌کند فراتر رود. در نهایت آنکه هدف از استفاده از نیروی نظامی باید آینده‌محور باشد بدین معنا که برای متوقف کردن یا دفع کردن حمله‌ای در آینده صورت پذیرد. پس انجام حملات تلافی‌جویانه و تنبیهی ممنوع است.

۳. هواپیماهای بدون سرنشین و حقوق مخاصمات مسلحانه

حقوق مخاصمات مسلحانه را باید مجموعه قواعد حقوق بشری خاص زمان جنگ دانست. به عبارت دیگر، حقوق مخاصمات مسلحانه، ابزار حقوق بشری در زمان جنگ است.^(۶۲)

ضرورت این شاخه مهم حقوق بین‌الملل در نظارت و کنترل شیوه‌ها و جنگ‌افزارهایی است که طرفین مخاصمه به کار می‌برند، چرا که رسالت حقوق مخاصمات مسلحانه، حمایت حداکثری از غیرنظامیان و کاهش رنج نیروهای نظامی در تندباد مخاصمات مسلحانه است. البته نباید از خاطر برد که حقوق مخاصمات مسلحانه تنها در جریان مخاصمات بین‌المللی قابل اعمال نیست بلکه از رهگذر ماده ۳ مشترک و نیز حقوق مخاصمات مسلحانه عرفی در جریان مخاصمات غیربین‌المللی نیز قابلیت اعمال دارد. این مسئله ضرورت نظارت بر نوع جنگ‌افزارهای به کار رفته در جریان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را همانند مخاصمات بین‌المللی افزایش می‌دهد.

مطالب ارائه‌شده در این بخش، همگی بر این پیش‌فرض استوار است که از هواپیماهای بدون سرنشین در جریان یک مخاصمه مسلحانه استفاده شود. البته چنانچه در قسمت‌های قبل ذکر آن رفت، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، تنها مختص به وضعیت مخاصمه نیست و در عملیات اکتشافی یا جاسوسی نیز از این پرنده‌ها استفاده می‌شود. با وجود این، تمرکز این نوشتار بر موارد استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه است زیرا همان‌گونه که می‌دانیم شرط اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه آن است که میان طرفین، درگیری مسلحانه‌ای در جریان باشد. علاوه بر این، به دلیل آنکه در این بخش، تنها به قابلیت انطباق عملیات پهبادها و دو اصل عرفی مهم در مخاصمات مسلحانه یعنی «تفکیک» و «تناسب» که در ویژگی الزام‌آوری آنان چه در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و چه در نوع غیربین‌المللی تردیدی وجود ندارد، پرداخته می‌شود بحث پیرامون انواع مخاصمات مسلحانه، به مجال دیگر موکول می‌شود.

در بحث حاضر، مسئله مهم، پاسخ به دو سؤال است. نخست آنکه آیا هواپیماهای بدون سرنشین نیز در گستره نظارت حقوق مخاصمات مسلحانه هستند؟ در صورت مثبت‌بودن پاسخ سؤال اول، نوبت به طرح این

61. I.C.J. Reports 2003, Oil Platforms (*Islamic Republic of Iran v. United States of America*), Merits, para. 76.

۶۲. محمدرضا ضیایی بیگدلی، نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳، ۱۳۸۳، ص ۷.

پرسش می‌رسد که آیا پهبادها قادر به رعایت موازین و مقررات حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک و تناسب هستند یا خیر. به بیان دیگر، آیا می‌توان این ادعا را به اثبات رساند که پرنده‌های بدون سرنشین در زمره تسلیحاتی هستند که به صورت «کورکورانه» عمل می‌کنند؟

در قسمت‌های پیش به این نکته اشاره شد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در میدان جنگ و خارج از آن، منجر به طرح سؤالاتی چند در حقوق بین‌الملل شده است. در حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه، دغدغه اصلی، نقض اصول اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه در اثر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین است.

توضیح آنکه حقوق مخاصمات مسلحانه را علی‌رغم گستردگی و فراوانی مسائل مطروح در آن می‌توان در چند اصل و مفهوم پایه‌ای خلاصه کرد.^(۶۳) یکی از این اصول که باید مدعی شد کلیت حقوق مخاصمات در آن خلاصه شده و به قولی سنگ بنای حقوق مخاصمات مسلحانه است، اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان است.^(۶۴) وظیفه تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان بدون تردید پایه‌ای‌ترین و مهم‌ترین اصل حقوق مخاصمات مسلحانه است. در کنار اصل تفکیک، رعایت دیگر اصول حقوق مخاصمات مسلحانه مانند اصل تناسب در اثر بهره‌گیری از هواپیماهای بدون سرنشین مورد تشکیک قرار گرفته است. بر اساس اصل تناسب، در هنگام حمله به اهداف نظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی باید در برابر صدمات تبعی^(۶۵) (یا جنبی) تا حد امکان محفوظ بمانند. در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی که انتظار می‌رود از حمله نظامی به‌دست آید، خسارات تبعی نباید بیش از حد باشد.

در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا استفاده از پهبادها با اصول مذکور در حقوق مخاصمات مسلحانه سازگاری دارد یا اینکه بهره‌گیری از این پرنده‌ها در میدان نبرد، لاجرم به نقض قواعد حقوق مخاصمات خواهد انجامید.

۳-۱. امکان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و رعایت اصل تفکیک

نظر به اهمیت اصل تفکیک، کارایی و قدرت ویران‌گر هر اسلحه‌ای در میدان نبرد را باید در کنار توانایی آن سلاح برای ایجاد تمایز میان نظامیان و غیرنظامیان از یک سو و اهداف نظامی و اموال غیرنظامیان از سوی دیگر سنجید. نتیجه طبیعی اعمال اصل تفکیک آن است که استفاده از سلاح‌هایی که قادر به تمیز میان دو گروه مورد اشاره نباشند و به عبارت دیگر «کورکورانه» عمل کنند در صحنه نبرد ممنوع است.

برخی از مخالفان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، مدعی‌اند که این پرنده‌ها ذاتاً به‌صورت کورکورانه عمل می‌کنند. البته این مفهوم در حقوق مخاصمات مسلحانه شناخته شده است. حقوق مخاصمات مسلحانه، قائل به ممنوعیت دو نوع از تسلیحات است. نخست، ادواتی که قادر به تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان

63. W. Fenrick, "Attacking the Enemy Civilians as a Punishable Offense", *Duke Journal of Comparative and International Law*, 1997, vol. 7, p. 541.

64. I. Dettner, "The Law of War", Cambridge: Cambridge University Press, 2000, Second Edition, p. 141.

65. Collateral Damage

نیستند.^{۶۶} البته در تعیین اینکه آیا یک سلاح توانایی ایجاد تفکیک میان غیرنظامیان و اموال آنان از یک سو و اهداف نظامی از سوی دیگر را داراست، نباید به نحوه کاربرد آن در صحنه نبرد توجه کرد؛ از آن رو که هر نوع سلاح، از یک اسلحه ساده تا یک سامانه تسلیحاتی پیچیده را می توان به گونه ای به کار گرفت که میان دو گروه یادشده تفکیک قائل نشود و در نتیجه شامل ممنوعیت مذکور در سطور پیشین شود. پس آنچه در تعیین تفکیک پذیر بودن یا نبودن سلاح اهمیت دارد آن است که آیا این سلاح ذاتاً کورکورانه عمل می کند یا خیر. دسته دوم از ادوات شامل ممنوعیت در حقوق مخاصمات مسلحانه، تسلیحاتی است که منجر به ایجاد رنج بیهوده و ایراد صدمات غیر ضروری به نیروهای طرف مقابل می شود. هدف از ممنوعیت این سلاح ها آن است که میزان آسیبی که از منظر ضرورت نظامی غیر قابل توجیه است به حداقل کاهش یابد.

به این ترتیب، برخی سلاح ها نظر به ویژگی ساختاری خود به گونه ای است که نمی توان آن را به طور مشخص برای گروه های خاصی از افراد و اهداف به کار برد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز ضمن قطعنامه ۲۶۰۳ بر این موضوع تصریح کرد که سلاح های بیولوژیک و شیمیایی ذاتاً به گونه ای عمل می کنند که استفاده از آن ها به نتایج غیر قابل کنترل و غیر قابل پیش بینی خواهد انجامید.^{۶۷} به این ترتیب ملاحظه می شود که مجمع عمومی سازمان ملل - با برشمردن سلاح های بیولوژیک و شیمیایی - آستانه بالایی را برای ذاتاً کورکورانه بودن یک سلاح در نظر گرفته است. شاید با در نظر گرفتن معیار مورد نظر مجمع عمومی یعنی «غیر قابل کنترل» و «غیر قابل پیش بینی بودن» نتایج استفاده از یک سلاح به عنوان شرط کورکورانه عمل کردن آن بتوان بمب های خوشه ای را نیز در زمره همین سلاح ها قرار داد زیرا این قبیل بمب ها نیز پس از انفجار به شکل غیر قابل پیش بینی در فضا پخش می شوند و امکان ایراد صدمه به افراد غیر نظامی را افزایش خواهند داد. نتیجه آنکه، از مقایسه معیارهای در نظر گرفته شده و با توجه به انواع سلاح هایی که تا کنون در گروه ذاتاً کورکورانه قرار گرفته اند، می توان بدون تردید مدعی شد که هوایماهای بدون سر نشین به خودی خود در این گروه از تسلیحات قرار نمی گیرند.

آقای فیلیپ آلتون، گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز با این موضع موافق است؛ به باور وی، موشک شلیک شده از پهباد درست مانند گلوله شلیک شده از اسلحه یک سرباز می تواند با رعایت اصل تفکیک یا در جهت نقض آن مورد استفاده قرار گیرد و پرنده های بدون سر نشین در این رابطه چالش حقوقی خاصی را ایجاد نمی کنند. به عقیده وی، مسئله مهم در این زمینه بررسی موردی موضوع با در نظر گرفتن مجموعه اوضاع و احوال و شرایط حاکم در زمان حمله است.^{۶۸}

آنچه موضع گزارشگر ویژه سازمان ملل را در این رابطه تقویت می کند، نگاهی دوباره به نحوه عملکرد این هوایماهاست. در قسمت نخست ذکر شد که هوایماهای بدون سر نشین، انواع مختلفی دارند و در دو نوع شناسایی و شکاری به خدمت گرفته می شوند. نوع شکاری این هوایماها اکثراً مجهز به موشک های هل فایر^{۶۹} است. این موشک ها شعاع انفجار بسیار محدودی دارند که در حال از پنج متر گسترده تر نیست و به علاوه این

۶۶. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو، بند ۴ ماده ۵۱.

67. UNGA Res. 2603 (December 16, 1969), Question of Chemical and Bacteriological (Biological) Weapons

68. *Supra note* 48, para. 79.

69. Hellfire

توانایی را دارند که پس از رهاشدن از هواپیما بلافاصله منفجر نشده و تا فراهم آمدن شرایط مطلوب به صورت عمل نکرده باقی بمانند.^(۷۰) علاوه بر این، در نبردهای امروزی که ماک‌های کلاسیک تشخیص رزمنده از غیررزمنده از قبیل حمل آشکار سلاح و پوشیدن لباس متحدالشکل نظامی کمتر رعایت می‌شود، از قابلیت‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات پهبادها می‌توان به خوبی برای اعمال هر چه بیشتر و بهتر اصل تفکیک بهره جست.

اما در حال این یک حقیقت غیرقابل انکار است که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین باعث کشتار تعداد زیادی از غیرنظامیان شده است. بر اساس آمارها در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، حدود ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر غیرنظامی در اثر حملات این هواپیماها جان خود را از دست داده‌اند.^(۷۱) در پاره‌ای موارد نیز عملیات هواپیماهای بدون سرنشین به طور کامل ناکام ماند. به عنوان نمونه، در فوریه سال ۲۰۱۰، یک عملیات ناموفق این هواپیماها در افغانستان، منجر به کشته شدن ۲۳ غیرنظامی شد.^(۷۲) مثال‌هایی از این دست، کمابیش هر روز در اخبار و رسانه‌ها به چشم می‌خورد. البته نباید از خاطر دور ساخت که بخش عمده این تلفات ناشی از تشخیص نادرست هدف به دلیل ارسال اطلاعات نادرست است. به عنوان نمونه، مواردی چند از هدف قراردادن افراد غیرنظامی در منطقه وزیرستان پاکستان گزارش شده است که به اشتباه، عضو گروه القاعده قلمداد شده بودند. در این موارد هر چند پهباد، هدف مورد نظر را نشانه می‌گیرد، هدف از اساس اشتباه تشخیص داده شده است.

این موضوع باعث بروز نگرانی‌های فراوان در میان کارشناسان مسائل نظامی و حقوق دانان شده است زیرا با عنایت به مجهز بودن هواپیماهای بدون سرنشین به دوربین‌ها و حس‌گرهای فوق پیشرفته، دیگر محلی برای بروز خطا با ضریب بالا وجود ندارد. این دغدغه در اظهارات مخر ویژه سازمان ملل نیز تبلور یافته است. به باور آقای آلتون: «هدف‌گیری انسان‌ها از راه دور توسط خلبانان هدایت‌کننده هواپیماهای بدون سرنشین، فضای نبرد را شبیه به محیط بازی رایانه‌ای کرده است. این افراد [خلبانان] که در صحنه نبرد حضور فیزیکی ندارند و عواقب سلب حیات از یک انسان را در محل وقوع آن درک نمی‌کنند، چگونه می‌توانند اهمیت حق حیات و لزوم احترام به آن را دریابند؟»^(۷۳) شاید همین استفاده نادرست و در مواردی سوءاستفاده از این فناوری پیشرفته در کشف و خنثی‌سازی تهدیدهای گروه‌های تروریستی است که برخی حقوق دانان را به این باور رسانده است که در رابطه با پهبادها به قانون‌سازی جدید احتیاج است و حتی برخی پیشنهاد تدوین یک پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو را داده‌اند.^(۷۴) اما همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، باید میان توانایی ذاتی یک سلاح و سوءاستفاده از آن توسط نیروهای نظامی قائل به تفکیک شد.

70. M. McNab, "Clarifying the Law Relating to Unmanned Drones and the Use of Force: The Relationships between Human Rights, Self-Defense, Armed Conflict, and International Humanitarian Law", *Denver Journal of International Law and Policy*, 2011, vol. 39, 692.

71. *Supra* note 40, p. 274.

72. *Supra* note 9, p. 655.

73. *Supra* note 4, p. 941.

74. M. Newton, "Flying into the Future: Drone Warfare and the Changing Face of Humanitarian Law", *Denver Journal of International Law and Policy*, 2011, vol. 39, p. 608.

جالب توجه آنکه در نشست‌های تخصصی که در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی در رابطه با نبردهای هوایی صورت گرفته نیز به مقوله هوایم‌های بدون سرنشین توجه شده است. به‌عنوان نمونه، در دستورالعملی که در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط یک هیئت از کارشناسان نظامی و تعدادی از استادان برجسته حقوق مخاصمات مسلحانه در مورد حقوق قابل‌اعمال در مخاصمات مسلحانه هوایی تهیه شد، به مسئله پهبادها نیز اشاره شد. ترتیبات این سند، مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه را به‌طور کلی بر این جنگ‌افزارها قابل‌اعمال می‌داند.^(۷۵) به‌عنوان مثال، از نظر اقدامات احتیاطی که دولت‌ها پیش از شروع حمله ملزم به رعایت آن هستند، از قبیل رعایت اصل تفکیک و سنجش میزان خسارات احتمالی حاصل از حمله در برابر مزیت نظامی حاصل و از این دست، تفاوتی میان جنگنده‌های سرنشین‌دار و نوع بدون سرنشین وجود ندارد. به‌علاوه، از نظر تهیه‌کنندگان دستورالعمل مذکور، افرادی که مسئول هدایت و کنترل این نوع جنگ‌افزارها هستند - حال چه نظامی باشند چه غیرنظامی - مشارکت‌کنندگان مستقیم در مخاصمه به حساب می‌آیند و کلیه عواقب حقوقی ناشی از مشارکت مستقیم بر آنان اعمال می‌شود. بدین ترتیب چنانچه استفاده از پهباد، منجر به نقض قوانین حقوق بشردوستانه به‌خصوص حمله به غیرنظامیان شود، دولت استفاده‌کننده به‌صورت مستقیم مسئولیت پاسخ‌گویی را برعهده خواهد داشت. شایان ذکر است که موضع‌گیری اخیر مورد قبول اکثر صاحب‌نظران حقوق مخاصمات مسلحانه قرار گرفته است.^(۷۶)

۳-۲. امکان استفاده از هوایم‌های بدون سرنشین و رعایت اصل تناسب

صحنه‌های نبرد همه روزه شاهد موقعیت‌هایی است که در آن با وجود حمله مستقیم به اهداف و افراد نظامی، غیرنظامیان نیز کشته می‌شوند یا به اموال آنان آسیب جدی وارد می‌شود. در این مرحله است که اصل تناسب، نقش تعیین‌کننده خود را برای حفظ جان غیرنظامیان و حمایت از اموال آنان ایفا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، اعمال این اصل پس از اعمال صحیح اصل تفکیک مطرح می‌شود. یعنی پس از آنکه یک هدف مشروع نظامی و منفک از غیرنظامیان و اموال آنان مورد شناسایی قرار گرفت، آنگاه نوبت به بررسی این موضوع می‌رسد که آیا هدف‌گیری این هدف مشروع که ممکن است منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان و آسیب به اموال آنان شود، با در نظر گرفتن این خسارات قابل‌توجیه است یا خیر؟ ملاک‌های مختلفی برای سنجش زیاده از حد بودن یا نبودن صدمات وارده به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی نسبت به مزیت نظامی حاصل برای طرف درگیر ارائه شده است که ارزش هدف، محل استقرار هدف و زمان انجام حمله از آن جمله‌اند.^(۷۷)

در این مرحله هم جمع‌آوری اطلاعات از طریق هوایم‌های بدون سرنشین می‌تواند نقش مهمی در تعیین تعداد غیرنظامیان حاضر در صحنه عملیات داشته باشد و مانع از ایجاد خسارات و تلفات جانی بسیار شود. علاوه‌بر این، یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد پهبادها آن است که قادر به ارسال اطلاعات به‌صورت «زنده» به مرکز فرماندهی عملیات هستند. اهمیت این توانایی از آن روست که ممکن است در شرایطی خاص تعداد افراد

75. Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, May 15, 2009, pp. 15-17.

76. *Supra* note 22, p. 294.

77. *Supra* note 58, p. 690.

غیرنظامی حاضر در منطقه انجام عملیات یا اموال واقع در محل حمله به نحوی باشد که ایراد خسارت جانبی در صورت انجام عملیات را توجیه کند اما لحظاتی پیش از شروع عملیات، ترکیب جمعیتی محل موردنظر به نحوی تغییر یابد که کفه ترازو به نفع جمعیت غیرنظامی سنگین شده و انجام عملیات، منجر به کشتار گسترده و غیرقابل توجیه غیرنظامیان بی‌گناه شود. بدیهی است که امکان رصد لحظه‌به‌لحظه منطقه موردنظر توسط هواپیماهای بدون سرنشین، این امکان را به فرمانده عملیات خواهد داد که حتی تا آخرین لحظات پیش از شروع حمله از آغاز آن جلوگیری به عمل آورد.

۳-۳. اثر اصل «اقدامات احتیاطی» بر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین

حقوق مخاصمات مسلحانه در کنار الزام طرفین درگیر به رعایت اصول تفکیک و تناسب، از آن‌ها می‌خواهد تا پیش از شروع حمله و همین‌طور طی مدت انجام عملیات، مجموعه‌ای اقدامات احتیاطی را با هدف به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان اتخاذ نمایند. محتوای این اصل در ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو متبلور است که در مورد ویژگی عرفی آن، چه در مخاصمات بین‌المللی و چه در منازعات غیربین‌المللی تردیدی وجود ندارد. به این ترتیب، پیش از شروع عملیات با هواپیماهای بدون سرنشین، دولت‌ها موظف‌اند تا سرحد امکان از اینکه اهداف موردنظر غیرنظامی نبوده یا از اموال متعلق به غیرنظامیان نیستند، اطمینان حاصل نمایند. علاوه بر این، اجرای مؤثر این اصل مستلزم آن است که اگر پیش یا در جریان انجام عملیات این اطمینان نزد فرمانده عملیات به وجود آمد که با به‌کارگیری ابزار و ادوات جنگی دیگر می‌توان به مزیت نظامی مشابهی دست یافت، به نحوی که آسیب و صدمه به افراد و اموال غیرنظامی به حداقل کاهش یابد، از شروع یا ادامه عملیات خودداری کند.

همان‌طور که در قسمت‌های پیشین نیز مشاهده شد، فناوری‌های پیشرفته موجود در ساخت و تجهیز پرنده‌های بدون سرنشین از قبیل حس‌گرهای پیشرفته و همین‌طور امکان زیرنظرگرفتن یک هدف برای مدت‌زمان طولانی، همگی به‌صورت بالقوه امکان رعایت اصل اقدامات احتیاطی در جریان مخاصمه را بیش از پیش فراهم می‌آورد. به‌طور مثال، امکان ارسال زنده تصاویر توسط هواپیماهای بدون سرنشین در فرضی که فردی مظنون به حفر گودال برای دفن بمب کنار جاده‌ای است، اما در آخرین لحظات شروع عملیات مشخص شود که وی هدف دیگری از حفر گودال دارد، می‌تواند باعث نجات جان یک انسان شود.

۴. هواپیماهای بدون سرنشین و «کشتن/قتل هدفمند» (۷۸)

یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر، بخش مهمی از اخبار مربوط به درگیری نیروهای آمریکایی در افغانستان و پاکستان را به خود اختصاص داده است، بحث استفاده از پهباد در انجام عملیات قتل هدفمند است. هرچند بحث مفصل در رابطه با این پدیده از حوصله این مقال خارج است، در این بخش - به فراخور موضوع - به آن پرداخته می‌شود.

در میان تهدیدهای جدی که علیه حقوق غیرنظامیان و به دلیل مشارکت مستقیم آنان در مخاصمات مسلحانه به عمل می‌آید، یک مورد بیش از بقیه در سال‌های اخیر نظر حقوق دانان را به خود جلب نموده است و آن راهکار جدیدی است که دولت ایالات متحده^(۷۹) و متحدان وی برای مقابله با گروه‌های تروریستی مانند القاعده یا سایر گروه‌های مشابه در جنگ‌های نامتقارن در پیش گرفته‌اند و بر اساس آن، فعالان نظامی و احتمالاً سیاسی مخالف خود را خارج از میدان نبرد و گاه به صورت غافلگیرانه از بین می‌برند.

این راهبرد جدید نظامی در بین صاحب‌نظران حقوق بشردوستانه به “Targeted Killing” شهرت یافته است که در فارسی آن را به «کشتن / قتل هدفمند» برگردان کرده‌اند و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش‌روی حقوق غیرنظامیان نام برد. طبق آمارهای موجود، حدود ۳۵ درصد افرادی که در این قبیل عملیات، جان خود را از دست می‌دهند کسانی هستند که هرگز در مخاصمات، شرکت مستقیم و حتی غیرمستقیم نداشته‌اند.^(۸۰)

در حال حاضر هیچ تعریف واحد و موردپذیرشی از کشتن هدفمند وجود ندارد اما به‌طور کلی می‌توان آن را به شکل زیر تعریف کرد: استفاده برنامه‌ریزی‌شده و از پیش طراحی‌شده از قوه قهریه علیه افراد، با هدف کشتن آن‌ها، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، بدون اقدام برای بازداشت کردن افراد مذکور.^(۸۱) برخی از محققان، قتل هدفمند را متضمن موافقت صریح مقامات دولتی یک کشور نیز می‌دانند.^(۸۲) عده‌ای نیز بر این باورند که عملیات قتل هدفمند نه به دلیل اعتقاد یک دولت به رزمنده بودن فرد، بلکه بر اساس میزان تهدیدآمیز بودن فعالیت وی صورت می‌گیرد، حتی اگر فعالیت‌های وی جنبه نظامی نداشته باشند.^(۸۳)

در رابطه با مشروعیت یا غیرقانونی بودن این دست عملیات، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. مخالفان که حامیان اجرای الگوی حقوق کیفری در پاسخ به عملیات‌های تروریستی هستند بر این باورند که کشتن هدفمند، نوعی اعدام بدون رعایت تضمین‌های قضایی^(۸۴) است. به باور آنان، برای امکان اجرای ترتیبات حقوق بشردوستانه و قتل یک فرد باید ابتدا آستانه خشونت‌ها به حدی برسد که بتوان وضعیت را به‌عنوان مخاصمه مسلحانه طبقه‌بندی کرد و فعل خشونت‌بار حتی با گستردگی و شدت حوادث یازده سپتامبر را نمی‌توان برای تغییر چارچوب هنجاری از حقوق کیفری به حقوق بشردوستانه کافی دانست.^(۸۵) علاوه بر این، پس از احراز وقوع درگیری مسلحانه، بار اثبات

۷۹. عملیات این‌چنینی آمریکا بیشتر در خاورمیانه و کشورهایمانند یمن، افغانستان و عراق صورت می‌گیرد.

80. D. Casey, “Breaking the Chain of Violence in Israel and Palestine: Suicide Bombings and Targeted Killings under International Humanitarian Law”, *Syracuse Journal of International Law and Commerce*, 2005, vol. 32, p. 316.

81. M. Wong, “Targeted Killings and the International Legal Framework: With Particular Reference to the US Operation against Osama Bin Laden”, *Chinese Journal of International Law*, 2012, vol. 11, p. 128.

82. N. Melzer, “Targeted Killing in International Law”, Oxford University Press, 2008, pp. 3-4.

83. L. Doswald-Beck, “The Right to Life in Armed Conflict: Does International Humanitarian Law Provide All the Answers”, *International Review of the Red Cross*, 2006, vol. 88, p. 894.

84. Extra-Judicial Execution/Killing

85. A. Paulus, and M. Vashakmadze, “Asymmetrical Warfare and the Notion of Armed Conflict – A Tentative Conceptualization”, *International Review of the Red Cross*, 2009, vol. 91, p. 118.

اثبات مشارکت مستقیم در مخاصمه نیز بر عهده دولت مجری عملیات است. در نتیجه از دید حامیان این رهیافت، قالب مشروع و قابل اجرا در بحث برخورد با فرد تروریست، الگوی حقوق کیفری است و در چهارچوب این الگو، سلب حیات از یک فرد، تنها در موارد معدودی مجاز و قانونی است.

در مقابل، حامیان اجرای این قبیل عملیات‌ها که خواستار اجرای الگوی مخاصمات مسلحانه هستند، معتقدند که شدت درگیری با برخی گروه‌ها نظیر القاعده تا آن حد بالاست که می‌توان باور داشت که یک مخاصمه مسلحانه میان دو طرف در جریان است. لاجرم افراد درگیر در این میان نیز رزمندگانی خواهند بود که هدف‌گیری و قتل آنان در هر زمان و مکانی مجاز است.

تحلیل مبسوط نظرات ارائه‌شده از سوی دو طرف و قضاوت در مواضع آنان، بحث را به درازا خواهد کشاند (۸۶) اما مسئله مهم در رابطه با رویه دولت آمریکا این است که در بررسی مشروعیت عملیات قتل هدفمندی که با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به انجام می‌رسد، استفاده از این پهبادها به‌خودی‌خود تعیین‌کننده مشروعیت این عملیات‌ها نیست. به‌عبارت‌دیگر، پهبادها به‌عنوان یک وسیله و ابزار جنگی نمی‌توانند در اصول و قواعد هنجاری حاکم بر تصمیم‌گیری در خصوص عملیات قتل هدفمند، تأثیرگذار باشند و داوری در مورد مشروعیت این نوع عملیات‌ها مستلزم بررسی و تحلیل مفاهیمی چون مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، تعیین گستره مفهومی رزمنده و غیرنظامی، قابلیت اعمال فراسرزمینی حقوق بشر، استثنایذیری حق حیات و مسائلی از قبیل: احراز شرایط وقوع مخاصمات مسلحانه است. به بیان ساده، آنچه محل اختلاف است به‌کارگیری پهبادها برای کشتن هدفمند نیست بلکه سؤال اینجاست که آیا قتل هدفمند یک شخص اصولاً عملی مشروع است یا خیر. در صورت پاسخ مثبت به این سؤال، دیگر تفاوتی ندارد که این قتل از طریق هواپیما بدون سرنشین صورت گیرد یا توسط مأمور با لباس میدل و با استفاده از سلاح کوچک و سبک. هرچند نباید از خاطر دور ساخت فناوری پرنده‌های کوچک و بدون سرنشین، قتل هدفمند را بسیار آسان کرده است.

نتیجه

جنگ، این پدیده شوم همواره جزء لاینفکی از زندگی بشر بوده و سال‌ها تلاش جامعه جهانی در مهار این واقعه هولناک بی‌نتیجه مانده است زیرا هنگامی که پای قدرت‌طلبی‌های لجام‌گسیخته در میان باشد، وادار کردن افراد به رعایت قوانین اخلاقی بسیار سخت و ناممکن می‌نماید. در این میان، پیشرفت فناوری به مثابه شمشیری دو لبه در دست بشر قرار گرفته و سبک جنگ‌های امروزی را تغییر داده است. چنانچه در این نوشته ذکر شد، استفاده از جنگ‌افزارهای بدون سرنشین، اتفاق تازه‌ای نیست و به وقایع بعد از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. اما تحولات یک دهه اخیر، کاربری این پرنده‌ها را تغییر داده است.

همان‌طور که در جای‌جای این مقاله نیز اشاره شد، تقریباً تمامی چالش‌های مطرح در رابطه با پهبادها در حقوق توسل به زور و حقوق مخاصمات مسلحانه، تنها مختص این پرنده‌ها نیست بلکه ممکن است در رابطه با

۸۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ن.ک:

یونس علاقه‌بند حسینی، مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

هر نوع سلاحی که در وضعیت‌های مشابه به کار می‌رود، چنین تردیدهایی مطرح شود. دلیل این امر را نیز می‌توان در این حقیقت جستجو کرد که این هواپیماها علی‌رغم پیچیدگی‌های فناورانه مربوط به ساختشان، چیزی جز یک ابزار برای پیشبرد جریان مخاصمه نیستند و حتی می‌توان مدعی شد که تجهیزات پیشرفته‌ای که بر این پرنده‌ها نصب شده است - به‌نحوی که ملاحظه شد - به‌طور بالقوه امکان رعایت ترتیبات حقوق بشردوستانه را بیش از سلاح‌های دیگر فراهم می‌آورد.

می‌توان مدعی شد که وقایع روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منجر به تحول نگرش در برخی از مفاهیم مربوط به حقوق توسل به زور شد. ظهور و قدرت‌گرفتن گروه القاعده در تلقی دولت‌ها و حقوق‌دانان نسبت به مفهوم بازیگران غیردولتی تغییراتی ایجاد کرد.^(۸۷)

به هر روی، ویژگی‌های منحصربه‌فرد درگیری میان گروه القاعده و دولت‌های عضو ناتو، مانند خصوصیات جغرافیایی محل درگیری، عدم دسترسی آسان به محل اختفای نیروهای القاعده و عدم امکان تشخیص این نیروها از غیرنظامیان، مقامات غربی را به استفاده هرچه بیشتر از فناوری پرنده‌های بدون سرنشین سوق داده است، به‌ویژه آنکه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تا حد زیادی موفقیت‌آمیز نیز بوده است. بر اساس آمارهای موجود، تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی، ارتش ایالات متحده بین ۱۰۶۰ تا ۱۷۰۷ نفر از اعضای القاعده را از طریق عملیات هوایی و با بهره‌گیری از پهبادها به قتل رسانده است.^(۸۸) مؤثر بودن عملیات هواپیماهای بدون سرنشین، مسئله‌ای است که مقامات القاعده، خود نیز به آن معترف‌اند. یکی از مسئولان روابط عمومی شبکه القاعده در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که القاعده به‌دلیل حملات پیاپی پهبادها در حال ازدست‌دادن نیروها، تجهیزات و قلمرو تحت کنترل خود است.^(۸۹)

در این میان، دولت ایالات متحده بر این باور است که رویه فعلی این دولت در رابطه با هدف‌گیری تروریست‌ها از طریق عملیات هوایی و بهره‌گیری از پرنده‌های بدون سرنشین با تمامی قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل، به‌خصوص ترتیبات حقوق مخاصمات مسلحانه مطابقت کامل دارد. این موضوع با بررسی مقررات و هنجارهای موجود در حقوق توسل به زور و حقوق مخاصمات مسلحانه که در بخش‌های پیش ارائه شد به‌شدت مورد تردید است.

اما همان‌طور که در بخش قبل نیز اشاره شد، باید میان توانایی ذاتی یک سلاح و نوع استفاده از آن توسط نیروی نظامی قائل به تفکیک شد. به‌نظر می‌رسد پهبادها حداقل به‌صورت بالقوه با الزامات حقوق مخاصمات مسلحانه در مورد رعایت اصول تفکیک و تناسب تطابق کامل دارند. به‌عنوان نمونه، در جنگنده‌ای که هدایت آن را یک خلبان به‌عهده دارد، تمامی مراحل شناسایی اهداف موردنظر، تصمیم در مورد نظامی یا غیرنظامی بودن آنان و در نهایت، سنجش تناسب مزیت نظامی حاصل در صورت انهدام با خسارات وارده، باید در لحظه انجام عملیات و توسط خود شخص خلبان صورت پذیرد درحالی‌که وی باید مراقب حملات جنگنده‌های طرف مقابل و

۸۷. برای مطالعه بیشتر در مورد القاعده، ن.ک: علی‌اکبر اسدی، **ظهور و افول القاعده در عراق**، فصلنامه راهبرد، ش ۵۱، ۱۳۸۸.

88. M. Schmitt, "Drone Attacks under the *Jus ad Bellum* and *Jus in Bello*: Clearing the 'Fog of Law'", *Yearbook of International Humanitarian Law*, 2010, vol. 13, p. 312.

89. *Supra* note 9, p. 632.

موشک‌های شلیک‌شده از زمین نیز باشد. این درحالی است که هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند برای ساعت‌های متوالی هدف خود را تعقیب کنند، با استفاده از دوربین و سایر حس‌گرهای پیشرفته اطلاعات لازم را به نیروهای خودی برسانند و آن نیروها نیز دور از صحنه نبرد و با آرامش کامل اطلاعات واصل را تجزیه و تحلیل کنند.

البته نباید از نظر دور ساخت که نبرد در اتافی امن، از طریق مانیتورها و به سبک بازی‌های رایانه‌ای به عدم‌توازن در جریان مخاصمه دامن می‌زند. همین امر نیز برخی حقوق‌دانان را به سوی این نظر سوق داده است که نظام حقوق بین‌الملل در این زمینه نیازمند هنجارسازی است. در مقابل، بسیاری بر آموزش‌های رفتارشناسی و روان‌شناسی علاوه بر آموزش‌های نظامی خلبان تأکید دارند و بر این باورند که این پرنده‌ها همچنان تحت نظارت حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه قرار دارند و چنانچه به‌کارگیری آن‌ها منجر به نقض قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه نشود، منعی در به‌کارگیری آن‌ها وجود ندارد.



(۱) فارسی

- ضیایی، سیدباسر، تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۲، ۱۳۸۹.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، چاپ بیست‌ودوم، ۱۳۸۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳، ۱۳۸۳.
- کدخدایی، عباس و زرنشان، شهرام، امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۱، ۱۳۸۶.
- مختاری، علی، جایگاه نبرد با تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده (۲۰۰۷ - ۲۰۰۰)، فصلنامه راهبرد، ش ۴۸، ۱۳۸۷.
- ممتاز، جمشید و صابری، بهزاد، تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور، فصلنامه راهبرد، ش ۶۳، ۱۳۹۱.

(۲) لاتین

- A. Drake, "Current U.S Air Force Drone Operations and Their Conduct in Compliance with Interantional Humanitarian Law - An Overview", *Denver Journal of International Law and Policy*, 2011, vol. 39.
- A. Orr, Andrew, "Unmanned, Unprecedented and Unresolved: The Status of American Drone Strikes in Pakistan under International Law", *Cornell International Law Journal*, 2011, vol. 44.
- A. Paulus, and M. Vashakmadze, "Asymmetrical Warfare and the Notion pf Armed Conflict – A Tentative Conceptualization", *International Review of the Red Cross*, 2009, vol. 91.
- C. Greenwood, "International Law and the Pre-emptive Use of Force: Afghanistan, Al-Qaeda, and Iraq", *San Diego International Law Journal*, 2003, vol. 4.
- D. Casey, "Breaking the Chain of Violence in Israel and Palestine: Suicide Bombings and Targeted Killings under Intenational Humanitarian Law, *Syracuse Journal of International Law and Commerce*, 2005, vol. 32.
- I. Detter, "*The Law of War*", Cambridge: Cambridge University Press, 2000, Second Edition

- J. Dehn, and Heller, K. “Targeted Killing: The Case of Anwar Al-Aulaqi”, *University of Pennsylvania Law Review*, 2011, vol. 159.
- J. Paust, “Self Defense Targetings of Non-State Actors and Permissibility of U.S. Use of Drones in Pakistan”, *Journal of Transnational Law and Policy*, 2010, vol. 19.
- J. Pictet (ed.), “*Commentary on the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field*”, 1952, Geneva: International Committee of the Red Cross
- J. Pugliese, “Prosthetics of Law and the Anomic Violence of Drones”, *Griffith Law Review*, 2011, vol. 20.
- J. von Sambeck and Bahia (ed.), “*Making the Voice of Humanity Heard: Essays on Humanitarian Assistance and International Humanitarian Law*”, Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2004, First Edition
- L. Blank, “After Top-Gun: How Drone Strikes Impact the Law of War”, *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 2012, vol. 33.
- L. Doswald-Beck, “The Right to Life in Armed Conflict: Does International Humanitarian Law Provide All the Answers”, *International Review of the Red Cross*, 2006, vol. 88.
- M. Lewis, “Drones and the Boundaries of the Battlefield”, *Texas Interantional Law Journal*, 2012, vol. 47.
- M. McNab, “Clarifying the Law Relating to Unmanned Drones and the Use of Force: The Relationships between Human Rights, Self Defense, Armed Conflict, and International Humanitarian Law”, 2011, *Denver Journal of International Law and Policy*, vol. 39.
- M. Newton, “Flying into the Future: Drone Warfare and the Changing Face of Humanitarian Law”, *Denver Journal of International Law and Policy*, 2011, vol. 39.
- M. O’Connell, “Remarks: the Resort to Drones under International Law”, *Denver Journal of International Law and and Policy*, 2011, vol. 39.
- M. Ramsden, “Targeted Killing and International Human Rights Law: The Case of Anwar Al-Awlaki”, *Journal of Conflict and Security Law*, 2011, vol. 16.
- M. Scharf, “Seizing the ‘Grotian Moment’: Accelerated Formation of Customary International Law in Times of Fundamental Change”, *Cornell International Law*

Journal, 2010, vol. 43.

- M. Schmitt, “Drone Attacks under the *Jus ad Bellum* and *Jus in Bello*: Clearing the ‘Fog of Law’”, *Yearbook of International Humanitarian Law*, 2010, vol. 13.
- M. Wong, “Targeted Killings and the International Legal Framework: With Particular Reference to the US Operation against Osama Bin Laden”, *Chinese Journal of International Law*, 2012, vol. 11.
- N. Melzer, “*Targeted Killing in International Law*”, Oxford University Press, 2008.
- P. Rowe, “Response to Terror: The New ‘War’”, *Melbourne Journal of International Law*, 2002, vol. 3.
- S. Murphy, “Terrorism and the Concept of Armed Attack in Article 51 of the U.N. Charter”, *Harvard Journal of International Law*, 2002, vol. 43.
- W. Fenrick, “Attacking the Enemy Civilians as a Punishable Offense”, *Duke Journal of Comparative and International Law*, 1997, vol. 7.
- Y. Dinstein, “*War, Aggression and Self Defense*”, Cambridge: Cambridge University Press, 2005, Fourth Edition

ب) آرای محاکم و اسناد سازمان‌های بین‌المللی

- I.C.J. Reports 1949, Corfu Channel Case, Judgment of April 9th, 1949
- I.C.J. Reports 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (*Nicaragua v. United States of America*), Merits
- I.C.J. Reports 2003, Oil Platforms (*Islamic Republic of Iran v. United States of America*), Judgment
- I.C.J. Reports 2004, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion
- I.C.J. Reports 2005, Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (*Democratic Republic of the Congo v. Uganda*) Judgment of December 19, 2005
- ICTY, *Prosecutor v. Tadic*, Decision on the Defence Motion for Interlutory Case, Judgment of October 2, 1995
- Inter-American Commission on Human Rights, *Abella v. Argentina (La Tablada)*, Case 11.137, Judgment of November 18, 1997
- Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on

Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, May 15, 2009

- Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Study on Targeted Killings, May 28, 2010
- Supreme Court of the United States, *Salim Ahmed Hamdan, v. Donald H. Rumsfeld et al*, Judgment of June 29, 2006
- United States Department of Defense, Dictionary of Military and Associated Terms, 2009
- UNGA Res. 2603 (December 16, 1969), Question of Chemical and Bacteriological (Biological) Weapons
- UNGA Res. 3314 (December 14, 1974), Definition of Aggression
- UNSC Res. 611 (April 25, 1988)
- UNSC Res. 1368 (September 12, 2001)
- UNSC Res. 1372 (September 28, 2001)

